**آداب و اسرار و آموزش و توسعۀ فرهنگ نماز به کارشناسی جناب حجت الاسلام والمسلمین سید جواد بهشتی**

**بـِسـْمِ اللّهِ الرَّحـْمـنِ الرَّحيمَِ**

به بحث ششم رسیدیم، فلسفۀ عبادات یا فلسفۀ احکام. زیاد سوال می‌شود از فلسفۀ احکام و سابقه هم دارد،‌ از همان قرن های اول که اسلام جهانگیر می شد به خصوص از وقتی که غیرمسلمان ها وارد فضای جامعۀ‌اسلامی شدند پرسش می کردند که چرا خدا، چرا انبیاء باید بیایند؟ چرا انسان دوباره زنده می شود؟‌ چرا نماز؟ چرا روزه؟ چرا حجاب؟ چرا شراب حرام است؟ چرا ارث زن و مرد فرق دارد؟

در این برنامه خیلی مختصر می خواهیم راجع به فلسفۀ احکام با هم صحبت بکنیم. به چند سوال می‌خواهیم جواب دهیم، آیا احکام فلسفه دارد یا نه. سؤال دوم، اگر احکام فلسفه دارد آیا احکام بیان شده است یا نه؟ سوال سوم، چرا بعضی از احکام فلسفه شان بیان نشده است.

در مورد سؤال اول می خواهیم بگوییم که بله احکام فلسفه دارد، چرایی دارد، حکمت دارد، دلیل دارد،‌چرا؟ چون از جانبِ خدا آمده است. خداوند هیچ چیزی را بی هدف نمی‌آفریند و هیچ دستوری را بی هدف صادر نمی‌کند، یکی از اسم های خداوند، حکیم است، یعنی آفریده‌های او با حکمت است، دستوراتش با حکمت است،‌ تمامِ عبادات، تمامِ‌احکام حکمت دارد، ‌فلسفله دارد.

‌سوال دوم، آیا بیان شده فلسفۀ احکام، ‌فلسفۀ عبادات، جوابش این است که غالباً بله،‌ به آیاتِ قرآن مراجعه کنیم، غالباً می‌بینیم به دنبالی دستور،‌ به دنبالِ امر، به دنبالِ نهی، ‌فلسفله آن بیان شده است. ما گاهی بی دقتی می کنیم،‌ روزه بگیرید تا تقوا داشته باشید، نماز بخوانید تا یادِ‌خدا باشید، جهاد کنید تا عزیز باشید. فلسفۀ آن بیان شده است. ممکن است یک عبادتی یا یک حکمی چند فلسفه داشته باشد. مثل اینکه اطباء گاهی یک دارو را برای چند منظور می‌دهند. برای همین می‌بینیم که در قرآن و حدیث گاهی برای یک حکم، سه یا چهار یا بیشتر حکمت بیان شده است.

امام رضا فرمود(ع) وضو چند حکمت دارد، یکی برای پاکیزگی است، یکی برای نشاط و شادابی است،‌ یکی برای روشنایی دل است. نگاه کنید یک فلسفۀ بهداشتی، ‌بهداشتِ جسمی. دوم فلسفۀ بهداشت روانی، سوم فلسفۀمعنوی است.

ما کتابهایی مستقل در دست داریم به نام علل الشرایع، یعنی فلسفۀ احکام،‌ که امامانِ ما ، مخصوصاً‌امامانی که فرصت های ویژه ای در اختیارشان قرار گرفته است، مثل امام صادق (ع)، مثل امام رضا (ع)، شاید هزاران مورد پاسخِ فلسفۀ احکام را گفته اند، ‌چرا نماز بخوانیم؟ چرا اینطور نماز بخوانیم؟ چرا رکوع، چرا سجده، چرا می ایستیم؟ چرا اذان می گوییم؟ چرا وضو می گیریم، چرا با خاک تیمم می کنیم،‌ چرا یک رکوع، چرا دو سجده، چرا؟چرا؟ فلسفۀ احکام در قرآن و در حدیث بیان شده است .

سوال سوم این بود که بعضی از احکام چرا فلسفه شان بیان نشده است؟ این هم یک دلیلش این است که امام معصوم فرمود در آخر زمان انسان وقتی که به رشد عقلانی می‌رسد راز این احکام را خواهد یافت، یک بستری است برای تنکاش و پژوهش انسان‌های وارسته.

یک مسئله دیگر هم هست و آن این است که گاهی فلسفۀ بعضی از احکام گفته نشده است برای آزمونی. مثل فرماندهی که پیداست دستوراتش حکیمانه است امّا بعضی از دستوراتش را سربازها متوجه نمی شوند برای چیست ؟ دستورات سختی است، ولی در پایان می‌فهمند که این مانور بود،‌ این دستور برای شناسایی آنها بود. فرمانده می‌خواست برایش روشن بشود که اینهایی که ادعا می کنند آیا در سختی ها هم تابع هستند. ما چیزی در اسلام داریم به نام تعبد، تسلیم، چرا نماز می‌خوانیم؟ چون تسلیم خدا هستیم، آفریدگار ما برای خوشخبتی ما این دستور را صادر کرده است. چرا روزه می گیریم؟ چرا حجاب داریم؟ چرا شراب را حرام می دانیم؟ مطمئن هستیم در حرام ها فسادی است، ضرری است. مطمئن هستیم در واجب ها،‌ فایده ای برای انسان ها است، مصلحتی است، تبعیت می کنیم چه فلسفۀ آن را بدانیم و چه ندانیم، معطل نمی‌مانیم و بگوییم که ما تا فلسفۀ روزه را ندانیم روزه نمی گیریم. آنوقت می‌شویم اسیرِ فلسفه، نه ما عبد خداوند هستیم، همین اندازه که می‌دانیم خداوند این فرمان را داده تبعیت می‌کند، تسلیم هستیم، البتّه خودِ خدا ما را کنجکاو آفریده است، دوست داریم راز آن حکم را بدانیم و از همین جهت هم است که خداوند در کتابش اسرارِ عبادات را بیان فرموده است.

اما گاهی می فرماید ما عدد مأموران جهنم را 19 قرار دادیم تا ببینیم چه کسانی فضولی می کنند، ‌اصلاً ‌خود ِ‌این عدد را قرار دادیم برای یک آزمون . وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً این عدد 19 را قرار ندادیم مگر برای آزمون .

در زمان قدیم می گفتند کسی در خیابان لاله زار تهران رد می شد و دید کسی ایستاده و مدام تکرار می کند 19، 19 ، 19 ، گفت آقا منظورتان چی است؟ او جواب نداد. یک نفر تازه‌ای رسید و گفت آقا چرا مدام تکرار می کنید 19، 19 ، و گفت: 20 ، 20 ، 20 ، و جواب نداد، و در آخر گفتند جان هرکسی که دوست داری بگو قصه اش چی هست؟ گفت من از صبح تا به حال فضول ها را می شمرم. تو فضول نوزدهمی هستی.

گاهی خداوند می خواهد به خودِ‌انسان ها نشان بدهد که واقعاً‌ عبد خداوند هستند،‌ سرتاپا تسلیم فرمانِ‌ خداوند هستند،‌ این یک آزمونی است، مثلاً پیامبر عزیزِ اسلام تا در مکّه بود به سمتِ بیت المقدس نماز می‌خواند، دستور این بود،‌ و در مدینه هم به سمت بیت المقدس نماز می‌خواندند. در یک نمازِ‌ ظهری دستور آمد که رویتان را از بیت‌المقدس به سمتِ‌ کعبه بچرخانید یک ولوله ای در جامعه پیش آمد، برای چه چیزی؟ آیا قبلۀ اولی درست بوده یا این درست است؟ اگر اولی درست بوده چرا عوض شده؟ اگر این قبله درست است پس این همه نماز خواندیم پس ثوابش چی شد؟ جواب آمد که خودِ این یک آزمون بود. هم قبلۀ‌اول درست بود، ‌هم این قبله درست است، هر دو فرمان خداوند است. و این تغییر قبله یک آزمونی بود برای شناسایی متعبد ها، برای شناسایی تسلیم ها.

ارث زن و مرد فرق دارد چرا؟ مگر ما انسان نیستیم، مگر دختر و پسر با هم فرق دارند؟. نه دختر و پسر از یک گوره آفریده شده اند ولی حکمتی در آن است.

دیه زن و مرد فرق دارد. حکمتش هم امام رضا بیان فرموده حالا فرض کنیم ما آن حکمت را ندانیم. می گوییم که ما بندۀ خداوند هستیم هرچه خدا بفرماید. وظایفِ زنان،‌ وظایفِ مردان، ‌به هرگونه که خداوند امر فرموده اطاعت می کنیم، تسلیم هستیم.

در این جلسه گفتیم که آیا احکام فلسفه دارد؟ جواب دادیم بله. چون از جانب خداوندِ حکیم آمده، مگر می شود خداوند حکیم، دستوری را بی حکمت بفرستد.

سوال دوم - آیا فلسفۀ احکام بیان شده است؟ جواب دادیم بله بیش از 90 درصد احکام قرآن در قرآن در حدیث فلسفه شان بیان شده است. چرا روزه بگیریم،‌ چرا حج کنیم،‌ چرا روزه بگیریم، همه اینها فلسفه شان هست.

سوال سوم -‌ بعضی از احکام چرا فلسفه شان بیان نشده است؟ 2 دلیل دارد. یکی از دلایلش را امام (ع) فرمود که چون در آخرالزمان انسان ها به اوج عقل و اندیشه می‌رسند و خودشان فهم می کنند اسرار بعضی از احکام را. ودلیل دیگرش آزمونی است برای تعبد که معلوم شود ما برای چه چیزی عبادت می کنیم، ما بندۀ خدا هستیم،‌ بندگی کن تا که سلطانت کنم. اگر بزرگی می خواهی بندگی کن چه فلسفه اش را بدانیم و چه ندانیم. ما از آن اول پذیرفتیم که این جهان خدایی دارد،‌ آن خدا بندگانش را آفریده و جهان را در اختیار آنها قرار داده و برای خوشبختی آنها پیامبران را و کتاب هایی را به عنوان برنامۀ‌زندگی فرستاده است. ما تسلیم آن خدا هستیم و می توانیم تسلیم نباشیم و لج کنیم، مقابل خدا بایستیم و سرکشی کنیم، اما بندگی یعنی تسلیم دستورات خداوند بودن چه فلسفۀ آن احکام را بدانیم یا ندانیم، ‌البتّه خداوند فلسفۀ احکامش را در قرآن بیان کرده و در زبان پیامبر و معصومین بیان شده، احکام، عبادات، تمامش اسرار دارد، فلسفه دارد،‌ در طی این هزار و چند صد ساله کتاب‌های زیادی تحت عنوان اسرار الصلاه،‌ اسرار الخمس، اسرار الحج، در روزگار خود ما کتاب های زیادی به زبانِ‌فارسی نوشته شده،‌ عبادات و احکامی که در شریعت آمده‌ اسرار دارد و بیان شده است آن اسرار در قرآن و حدیث تعدادش هم برای آزمون ما بیان نشده است.